



جناب آقای دکتر مهدی نورایی

عضو هیئت علمی
مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر صلح
و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی

ضرورت تدوین چارچوب حقوقی جامع مقابله با تجاوز در ایران

در دهه‌های اخیر، ماهیت جنگ و تجاوز در نظام بین‌الملل دستخوش تحولاتی بنیادین شده است؛ به گونه‌ای که مفهوم سنتی تهاجم مسلحانه دیگر به تنهایی پاسخگوی اشکال نوین تهدیدات علیه امنیت ملی کشورها نیست. گسترش جنگ‌های سایبری، فشارهای اقتصادی سازمان‌یافته و بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور همچون پهپادهای تهاجمی، مرز میان «اقدام نظامی» و «الگوهای جدید تجاوز» را به طور فزاینده‌ای مبهم ساخته است. در این بستر، خلأهای حقوقی موجود در قوانین داخلی و بین‌المللی، ضرورت بازنگری در تعاریف و اصول سنتی از جمله «محاربه»، «تجاوز» و «دفاع مشروع» را دوچندان کرده است. پیوند میان اصول قانون اساسی، همچون اصل ۳۶ در زمینه اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قواعد بین‌المللی از جمله مواد ۵۱ و ۴۲ منشور ملل متحد و ماده ۸ اساسنامه رم، می‌تواند مبنایی برای تدوین نظام حقوقی جامع‌تری در مواجهه با تهدیدات نوین باشد.

از سوی دیگر، تحلیل جایگاه نهادهای صلاحیت‌دار داخلی نظیر شورای عالی امنیت ملی، دیوان عالی کشور و ستاد کل نیروهای مسلح در فرآیند شناسایی و پاسخ به تجاوز، نشان می‌دهد که هماهنگی میان ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در چنین چارچوبی، پرسش از ضرورت یا عدم ضرورت تصویب «قانون ضد تجاوز» نه صرفاً یک موضوع تقنینی، بلکه بازتابی از تحولات عمیق در درک مفاهیم جنگ، امنیت و حاکمیت در دوران معاصر است؛ مواردی که در طی گفت‌وگو با دکتر مهدی نورایی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

اطلاعات مصاحبه

- مصاحبه‌کننده: مرضیه تاجمیری، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان
- مصاحبه‌شونده: دکتر مهدی نورایی، عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر صلح و دموکراسی یونسکو در دانشگاه شهید بهشتی

• تاریخ برگزاری: چهارشنبه، ۲۲ مرداد ماه ۱۴۰۴

• سرفصل‌ها:

۱. تحول مفهومی تجاوز در عصر تهدیدات نوین
 ۲. صلاحیت‌های داخلی در شناسایی و پاسخ به تجاوز نظامی
- نکته: به‌منظور حفظ استقلال علمی و تنوع دیدگاه‌ها، یادآور می‌شود که نظرات مطرح در این گفت‌وگو بازتاب‌دهنده آراء شخصی مصاحبه‌شونده است و لزوماً به‌معنای تأیید یا اتخاذ موضع از سوی گروه پژوهشی حقوق بشر دانشگاه اصفهان نمی‌باشد.

گزارش مصاحبه

۱. تحول مفهومی تجاوز در عصر تهدیدات نوین

در ابتدا دکتر نورایی بیان کردند که باتوجه‌به تحولات ماهیت جنگ، ممکن است خلأهای قانونی در مواجهه با اشکال جدید تجاوز مانند حملات سایبری و جنگ اقتصادی وجود داشته باشد. تعریف مضیق «محاربه» که بر «سلاح مشهود» تأکید دارد، شاید نتواند به‌طور کامل این ابعاد جدید را پوشش دهد. دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای از ابزارهای سایبری و اقتصادی به‌عنوان سلاح استفاده می‌کنند. قانونی که مشخصاً به این موارد بپردازد، می‌تواند مبنای قانونی شفاف‌تری برای پیگرد قانونی و بازدارندگی فراهم کند. ارجاع به ماده ۸ اساس‌نامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (که جرم تجاوز را تعریف می‌کند) و ایده پروتکل تفسیری (مثلاً تعریف پهنادهای تهاجمی به‌عنوان سلاح) رویکرد درستی است. این نشان‌دهنده تمایل به همسوسازی قوانین ملی با هنجارهای بین‌المللی در حال تحول است. اصل ۳۶ تأکید می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان مجازات کرد؛ مگر به‌موجب قانونی که قبل از ارتکاب جرم وضع شده باشد.

این قانون جدید در واقع اصل ۳۶ را تقویت خواهد کرد. با ایجاد یک چارچوب قانونی مشخص برای تجاوزات سایبری و اقتصادی، تضمین می‌شود که چنین اعمالی قبل از وقوع به‌عنوان جرم تعریف شده‌اند و بدین ترتیب اصل قانونی‌بودن جرایم رعایت می‌شود. نکته کلیدی، تدوین دقیق قانون، تعریف ارکان جرم، عنصر روانی (قصد مجرمانه) و مجازات‌های مربوطه خواهد بود. ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی را «در صورتی که حمله مسلحانه‌ای علیه یکی از اعضای ملل متحد صورت گیرد» تأیید می‌کند. گرچه این ماده صراحتاً از عبارت «واکنش متقارن» استفاده نمی‌کند، اما مفهوم آن اغلب در چارچوب تناسب و ضرورت تفسیر می‌شود. تدوین اصول تناسب و ضرورت در قوانین داخلی می‌تواند دستورالعمل‌های روشن‌تری را برای تصمیم‌گیرندگان امنیت ملی هنگام بررسی واکنش به تجاوزات ارائه دهد. همچنین موضع‌گیری روشن داخلی در خصوص نحوه واکنش ایران به انواع تجاوزات می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده عمل کند. گنجاندن این اصول، چارچوب حقوقی ایران را با اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل در زمینه دفاع مشروع بیشتر همسو می‌کند. با این حال، تدوین دقیق و سخت‌گیرانه ممکن است انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخ به تهدیدات جدید یا پیچیده را محدود کند. گاهی اوقات مؤثرترین واکنش ممکن است به‌راحتی در دسته «متقارن» قرار نگیرد؛ لذا مخالفت‌های جدی هم با گنجاندن این موضوع در قوانین داخلی وجود دارد.

۲. صلاحیت نهادهای داخلی در شناسایی و پاسخ به تجاوز نظامی

در محور دوم ایشان بیان داشتند که از منظر حقوقی ابهامی در این خصوص تجاوز به تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی وجود ندارد و ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد در خصوص این مطلب روشن است؛ برخلاف تجاوزات سایبری یا اقتصادی که از نظر حقوقی دارای ابهام است. چنانکه مشخص کردن اینکه چه زمانی یک حمله سایبری یا یک اقدام اقتصادی به سطحی می‌رسد که «تجاوز نظامی» تلقی شود، از منظر حقوقی چالش‌برانگیز است. لکن در خصوص حمله به تأسیساتی همچون فردو، بر اساس ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد صراحتاً مشخص است که تجاوز نظامی صورت گرفته است.

در رابطه با نحوه مواجهه مراجع قانونی و صلاحیت آنها از جمله دیوان عالی کشور یا شورای عالی امنیت ملی و ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تجاوز نظامی به کشور باید گفت در نظام حقوقی تداخلی در وظایف این نهادها وجود ندارد و هر کدام کارویژه خود را بر خوردار است. چنانچه موضوع به موجب قانون توسط دادستان به مراجع قضایی ارجاع شود، شعب صالح به رسیدگی که معمولاً در این مواقع شعبه ویژه‌ای اختصاص می‌یابد نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می‌نماید؛ لذا نه شناسایی عملیات به‌عنوان تجاوز نظامی نه ورود به رسیدگی در صلاحیت دیوان عالی کشور نیست. اما در خصوص شورای عالی امنیت ملی وظایف این شورا در اصل ۱۷۶ قانون اساسی بیان شده است. مصوبات این شورا در صورتی که به تأیید رهبری برسد، برای همه قوا لازم‌الاجرا خواهد بود. ضمن اینکه اعلان وقوع تجاوز نظامی هم صراحتاً بر عهده این شورا نیست؛ علاوه بر این، تشخیص شرایط جنگی نیز صرفاً در صلاحیت رهبری است. لکن در مواقع مورد نیاز، شورای مذکور با تشکیل جلسه نسبت به تعیین اقدامات لازم جهت تأمین امنیت کشور و پاسداری از آن اقدام خواهد کرد. ستاد کل نیروهای مسلح نیز به استناد اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تحت فرماندهی رهبری است و در خصوص اعلام تجاوز نظامی یا بروز وضعیت جنگی وظیفه‌ای ندارد؛ بلکه حسب فرمان رهبری می‌بایست در مواقع تجاوز نظامی توان و ظرفیت خود را برای صیانت از تمامیت ارضی کشور بکار گیرد.

با این توضیح روشن است که هر کدام از مراجع مورد بحث نقش متمایزی را بر عهده دارند. در آخر اینکه به نظر می‌رسد عدم تصویب قانون ضد تجاوز ناشی از عدم احساس ضرورت به انجام این کار بوده است. به جهت ملاحظات مختلفی از جمله موردی که در محور اول نیز اشاره شد. با این حال قوانینی در خصوص مواجهه با تجاوزات نظامی و مانند آن علیه کشور به تصویب رسیده است که در مفاد این قوانین مصادیق مورد نظر تا حدودی قابل برداشت است از جمله ماده ۱ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت مصوب ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی. مطابق این ماده کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور به موجب این قانون، مکلف هستند که در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام و بهره‌مندی از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، با اقدامات خصمانه این رژیم علیه مردم فلسطین، کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و نقش مخرب رژیم مزبور در برهم زدن صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و نقض گسترده و نظام‌مند (سیستماتیک) حقوق بشر اعم از جنگ‌افروزی، اقدامات تروریستی، جنگ الکترونیک، استفاده از تسلیحات سنگین و سلاح‌های ممنوعه علیه غیرنظامیان، محاصره انسانی، شهرک‌سازی، آواره کردن مردم فلسطین، تلاش برای انضمام بخش‌های دیگری از سرزمین فلسطین، ادامه اشغال سرزمین فلسطین و بخش‌هایی از سوریه (جولان)، لبنان و دیگر سرزمین‌های اشغالی مقابله نمایند. پیش‌تر نیز در سال ۱۳۷۱ قانون تصویب قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل به تصویب می‌رسد این‌گونه قوانین با توجه به الزامات اصل ۳۶ قانون اساسی اهمیت می‌یابند.

پیشنهاد‌های سیاستی

• تدوین قانون جامع مقابله با تجاوزات نوین (سایبری، اقتصادی و ترکیبی)

ضروری است مجلس شورای اسلامی با الهام از ماده ۸ مکرر اساس‌نامه رم و اصول ۳۶ و ۱۵۶ قانون اساسی، قانونی جامع برای تعریف، جرم‌انگاری و تعیین مجازات تجاوزات نوین تدوین کند. چنین قانونی ضمن همسوسازی نظام داخلی با هنجارهای بین‌المللی، زمینه را برای

بازدارندگی و پاسخ مؤثر به تهدیدات جدید فراهم می‌سازد.

• ایجاد کارگروه ملی مشترک میان نهادهای امنیتی، قضایی و دیپلماتیک

باتوجه به پراکندگی صلاحیت‌ها، تشکیل یک کارگروه دائمی با حضور نمایندگان شورای عالی امنیت ملی، قوه قضاییه، وزارت دفاع و وزارت امور خارجه می‌تواند هماهنگی در تصمیم‌گیری و پاسخ به تجاوزات را ارتقا دهد. این کارگروه باید وظیفه تحلیل تهدیدات، ارائه توصیه‌های حقوقی و تدوین سناریوهای واکنش متناسب را بر عهده داشته باشد.

• بازنگری در دکترین دفاع مشروع و تناسب واکنش در سطح ملی

ضروری است اصول تناسب، ضرورت و بازدارندگی که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد آمده است، در قالب سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور بازتعریف شوند. تدوین دستورالعمل‌های داخلی در این زمینه می‌تواند راهنمای روشنی برای تصمیم‌گیران در مواجهه با اشکال متنوع تجاوز و تضمینی برای رعایت مشروعیت اقدامات دفاعی ایران در عرصه بین‌المللی باشد.

جمع‌بندی

تحلیل کلی نشان می‌دهد که تحولات پرشتاب در عرصه جنگ و امنیت بین‌المللی، مرز میان مفاهیم سنتی و نوین تجاوز را به چالش کشیده است. در چنین شرایطی، نظام حقوقی داخلی اگر نتواند خود را با واقعیت‌های جدیدی چون جنگ‌های سایبری، اقتصادی و ترکیبی همسو سازد، در مواجهه با تهدیدات نوظهور دچار خلأ اجرایی و تقنینی خواهد شد. پیوند میان اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶ قانون اساسی) با الزامات حقوق بین‌الملل، از جمله مواد ۵۱ و ۴۲ منشور ملل متحد و اساس‌نامه رم، می‌تواند مسیر اصلاح و نوسازی چارچوب حقوقی ملی را فراهم کند. از سوی دیگر، تحلیل جایگاه نهادهای عالی کشور مانند شورای عالی امنیت ملی و ستاد کل نیروهای مسلح نشان می‌دهد که ساختار تصمیم‌گیری در ایران از انسجام حقوقی و سیاسی برخوردار است، هرچند هنوز فاقد قانون ویژه‌ای برای مقابله با تجاوزات نوین است. تصویب چنین قانونی، نه تنها موجب تقویت اصل قانونی بودن جرایم می‌شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری بازدارنده در برابر تهدیدات نوین عمل کند. باین حال، چالش اصلی در حفظ تعادل میان «شفافیت قانونی» و «انعطاف‌پذیری عملی» نهفته است؛ چرا که قواعد بیش از حد سخت‌گیرانه ممکن است مانع از پاسخ مؤثر به شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر جنگ‌های آینده گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی